

آخرت‌شناسی تناسخ‌محور؛ زادمرد در مانویت و دونادون در اهل حق

محمود آتشبار^۱

مسعود احمدی افزادی^۲

علیرضا ابراهیم^۳

زهرا ابراهیمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده: آخرت‌شناسی ادیان در ترسیم عوالم پس از مرگ، از الگوهای مختلفی پیروی می‌کند. در این میان، آخرت‌شناسی مانویت و اهل حق از طرحی گردونه‌وار برخوردار است؛ به این معنا که انواعی از تناسخ را پیش روی انسان تصویر می‌کند. تناسخ در مانویت زادمرد و در اهل حق دونادون نامیده می‌شود. زادمرد توضیح می‌دهد که روان انسان بعد مرگ و با طی تولدهای دوباره، به منبع اصلی خود یعنی نور متصل می‌شود. دونادون نیز بر آن است که روان آدمی دچار تناسخ است تا در نهایت، به ذات حق متصل شود. در این مقاله که به شیوه توصیفی-مقایسه‌ای تالیف شده، به تفاوتها و شباهتها بین این دو آموزه اشاره می‌شود. یافته‌های نشان می‌دهد که در مانویت روح پس از مرگ به دیدار داور دادگر می‌رود و در انجا برحسب اعمال و رفتار، انسان یا به بهشت می‌رود یا دچار چرخه تناسخ می‌شود یا به دوزخ می‌رود و این فرایند جنبه پالایشی دارد. در اهل حق هم روح برحسب اعمال گذشته دچار یک سیر تناسخی می‌شود که بیشتر جنبه تکاملی دارد. در زادمرد با هر چرخه تناسخ روان به نور نزدیکتر می‌شود. در دونادون با هر دون روح به ذات حق نزدیکتر می‌شود. نجات و رستگاری در مانویت، رها شدن از ماده و بازگشت به نور است. در اهل حق نجات و رستگاری، فانی شدن در ذات تعالی است.

^۱ . دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ . استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Masoodahmadi110@hotmail.com

^۳ . استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ . استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

کلیدواژگان: زادمرد، دونادون، مانویت، اهل حق، تناسخ، حیات بعد مرگ

مقدمه:

ما می خواهیم در این مقاله یک تلفیقی ایرانی و اسلامی از حیات بعد از مرگ داشته باشیم که در جوامع امروزی بحثی داغ است. حیات بعد از مرگ به عنوان یکی از اصول مهم همه ادیان و فرقه ها است. به همین منظور حیات بعد از مرگ در مانویت و اهل حق را مورد بررسی قرار می دهیم. تناسخ در مانویت با عنوان زادمرد و در اهل حق با نام دونادون شناخته می شود. براساس که مطالعه ای درباره این موضوع انجام شد، هیچ رساله یا مقاله و کتابی یافت نشد. در مورد زادمرد در مانویت به همین منوال است که هیچ مطلبی پیدا نشد. درباره دونادون در اهل حق مقاله و کتاب موجود است. از جمله مقاله می توان، دونادون به روایت خاندان الهی تالیف روح اله چاووشی، بررسی تطبیقی آموزه دونادون در این یارسان و تناسخ تالیف جواد لطفی-مصطفی سلطانی- مهدی فرمانیان، اشنایی با فرقه اهل حق و نظریه دونادون تالیف فاضل جعفر، و کتاب دونادون تالیف سید محمد اکبری اشاره کرد. همانطور که گفته شد احتمالاً در این باره هیچ تحقیقی نشده است و برای اولین بار برای روشن تر شدن مسئله زادمرد و دونادون و همچنین تشبّهات و تفاوت های این دو تحقیقی انجام می پذیرد که انشاالله مفید فایده باشد. در این مقاله سعی شده است به صورت مختصر به جهان بینی، تفاوتها و تشابهات دین زرتشتی و گنوسی، هدایت انسان، جامعه انسانی، مرگ و سرنوشت جسم بعد از مرگ، تناسخ و انواع آن و راههای نجات در مانویت و اهل حق بپردازیم و در آخر مقایسه کوتاه بین مانویت و اهل حق در زمینه حیات بعد از مرگ داشته باشیم تا تفاوتها و تشابهات این دو بیشتر آشکار شود. امیدواریم این مقاله و تحقیق بتواند زمینه برای تحقیقات بیشتر در این باره باشد.

زادمرد در مانویت:

زادمرد: تناسخ در مانویت، زادمرد نامیده می شود. که روان از جسمی به جسم دیگر تناسخ می یابد. زادمرد به معنی باززایی است

ریشه های جهان بینی مانویت در ادیان زرتشتی و گنوسی:

در هستی شناسی مانوی، ثنویت خیر و شر وجود دارد و هر دو ازلی و ابدی هستند و آغازی ندارند و خود آغاز همه چیزند. مانوی، خدای بزرگ یعنی سرچشمه خیر را اهورامزدا نمی داند. بلکه مانوی هوشمندانه با کمک گرفتن از عقاید گروهی موثر از زرتشتیان و به منظور وفق دادن عقاید خود با باورهای زرتشتی-زروانی، خدای بزرگ را در هستی شناسی و جهان بینی خود زروان نامید. (محمدی ملایری، محمد، ۸) در اسطوره مانوی، افرینش مادی بهانه ای برای بازگرداندن نور به جایگاه اولیه خود است. کسانی که در افرینش دخیل هستند در حد ایزدان مانوی هست نه پدر بزرگی یا زروان. آنچه افریده شده اصلش از وجود دیوان است پس هرگز آنچه افریده

شد پاک نیست و با الودگی اختلاط دارد. همین دیدگاه های متفاوت در مورد اصل افرینش مادی تاثیر مستقیمی بر نگاه پیروان مانوی نسبت به جهان مادی و شیوه زندگی مانویان دارد. (شریفی، یاسر، ۶۷) آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر دانش و معرفت است. دین مانوی، همانند همه جنبش های گنوسی، دانش را مایه نجات ادمی می داند و این نجات از راه پیروزی نورنیکو بر تیرگی شرور به دست می آید. معرفت از طریق دانش به رستگاری منجر می شود که در آن، انسان تشخیص می دهد که روحش پاره ای از نور و با خدای متعال هم گوهر است. (اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۲۲)

تشبهات بین زرتشتی و مانویت عبارت از ۱- ایزدان ۲- ظلمت و نور ۳- تن و روان.

۱- ایزدان:

زروان در زرتشتی و مانویت: در اساطیر زرتشتی، زروان است که سبب افرینش نیکی و بدی یا هرمزد و اهریمن می شود که با توجه به عهدش در سپردن سلطنت جهان به فرزند نخست، شهریاری را نه هزار سال به اهریمن بخشید در این مانوی، زروان نقش شهریار جهان روشنی را ایفا می کند. حاکم سرزمین تاریکی، دیو آز است. ایندو جدا بودند تا روزی که آز، جهان روشنی را می بیند و خواهان آن می شود. (قلی زاده، خسرو، ۲۴۰)

اناهیتا و مادر زندگی در این زرتشتی و مانوی به عنوان خدایانی شناخته می شود که نماد زایش هستند. به گونه ای که پیدایی نسل و به وجود آمدن انسانها به حضور ایندو ایزدبانو صورت می گیرد. (عفیفی، رحیم، ۴۳۱) کیومرث و هرمزدبغ، هر دو فرزندان خدا هستند که به عنوان نماد نخستین انسان خلق و خوانده شدند تا به یاری افریدگارشان، با اهریمن بستیزند. (وامقی، ایرج، ۶۰)

میترا و مهرایزد: در دین زرتشت میترا از اهمیت بالایی برخوردار است. میترا ایزد جنگ است و مهمترین کارکردش نابودی بدان است. مهرایزد در مانویت، نجات دهنده هرمزدبغ و افریننده کیهان مادی است. مهرایزد مامور نابودی بدان و همراه و یاری گر پاره های نور در این مانی است. (عفیفی، رحیم، ۶۲۵، ۶۲۴)

امشاسپندان و امهرسپندان مجموعه ای از فرشتگان را شامل می شود. در متون مانوی مقصود از واژه امهرسپندان، پنج فرزند هرمزدبغ است. امشاسپندان در دین زرتشتی، برای حفاظت و دفاع از پاکی و راستی در برابر وجود اهریمن و دیوان است. (الیاده، میرچاده، ۱۰۸)

بهمن و نرجمینگ را از انرو مقابل هم قرار می دهند که زرتشت و مانی، پیام وحی را از این دو فرشته دریافت می کند. (منظر، محمد، ۱۱۰) دثا در زرتشتی عبارت از یکی از نیروهای پنجگانه ادمی است، که در انسان به ودیعه گذاشته شده تا پیوسته ادمی را از نیکی و بدی کارهایش آگاه گرداند. دوشیزه روشنی از ایزدان این مانوی است که کارکرد ویژه او بازگرداندن نور ربوده شده به دست دیوان است. (عفیفی، رحیم، ۵۱۹)

دیو آز در مانویت و زرتشتی: در مانویت، آز به عنوان اصل بدی ظاهر می شود. او خود را در سه صورت متجلی می سازد. بخاطر حرص که چشم انسان را به روی سرنوشت ماوراء الطبیعی اش می بندد. (قادری، تیمور، ۹۶) در دین زرتشتی دیو آز در در سه جنبه اشکار است: منحرف ساختن انسان از سرنوشت ماوراء الطبیعی اش، حرص و طمع. رذیلت اخروی، به عنوان حرص و طمع فهمیده می شود و در متون زرتشتی نقش عظیمی را ایفا می کند تا در متون مانوی. (زهر، ار-سی، ۲۷۰، ۲۷۱)

۲- ظلمت و نور:

یکی از مباحثی که از این زرتشتی، وارد این مانویت شده است، بحث نور و ظلمت یا خیر و شر است. بر اساس این زرتشت، نور و ظلمت یا اهورامزدا و انگره مینو دو همزاد که دارای یک پدر هستند و آن پدر، زروان است. در این مانوی که اشکارترین و واضح ترین دین ثنوی است. چنانکه مشخص ترین اصل آن اعتقاد به دو مبدا و دو مصدر ازلی و ابدی یعنی نور و ظلمت که در سه دوره گذشته، حال و آینده است. نور و ظلمت در آغاز و قبل از خلقت عالم، جدا و منفک از همدیگر بودند. این زمان را دوره انفکاک مطلق نور و ظلمت می نامیدند. در دوره گذشته در عالم نور؛ نظم، صلح، فهم، سعادت و سازش برقرار بود. (باقری، عباس، ۹۷)

۳- تن و روان:

در دین زرتشت، وجود انسان از تن و روان تشکیل شده است. تن و جسم پس از مرگ از بین می رود. روان که همان روح است، باقی می ماند دین مانوی آموزه تن و روان را از دین زرتشت اقتباس کرده است. (عفیقی، ایرج، ۵۲۱)

انسانشناسی گنوسی در مانویت

در دین مانی، اعتقاد به دو اصل جاودانی نور و تاریکی وجود دارد. جهان کنونی از کنش و واکنش های میان این دو تشکیل شده است. (البری، ار-سی، ۱۱۵) همه اینها بی تردید، باورهای گنوسی است و مفهوم اصلی آن طلا در گِل یا روح محبوس در ماده است. عنصر ارزشمندی که نیازمند رهایی است، تا به سرچشمه خویش باز گردد. مفهوم معرفت یکی از اقتباسات مانویت از تفکرات گنوسی است. (منتظری، سیدرضا، ۳۳) مانی همچنین معتقد بود که تطهیر از راه گنوس و معرفت امکان پذیر است. او تطهیر روان را مطرح کرد و آنرا بر تطهیر بدن مرجح دانست. (کایت، کلیم، ۳۷) تناسخ از مباحثی است که در اکثر مکاتب گنوسی مشترک است. یعنی تولد دوباره از انجایی که به روند تکامل روح انسان کمک می کند تا محقق شدن آن به روح کل که خداوند است. (شکری فومشی، ۵۴)

هدایت انسان:

هدایت انسان در مانویت مربوط به بحث نجات شناسی مانوی می شود یکی از ویژگی های مهم و بارز کیش مانوی، جنبه گنوسی آن است که امیخته ای از دین و دانش است. مانویت می خواست تعریفی جامع و فراگیر از جهان به دست آورد و بر این باور نبود که تنها ایمان و عقیده دینی، ابزار موثری در راه رسیدن به رستگاری است. برعکس، آموزه های رستگار مانوی مبتنی بر معرفت بود. جنبه ای که نوید می داد انسان می تواند از چنبره ایمان و سنت به دراید و تنها با سعی و تلاش خود به سوی خداوندگار باز می گردد. (هالروید، استوارت، ۹)

جامعه انسانی.

برگزیدگان یا صدیقین:

این افراد که تعداد بسیاری از پیروان مانی را در برمی گرفتند به تبلیغ دینی مانی می پرداختند آنان از والاترین و گرامی ترین افرادی بودند که در مانستانها سکونت داشتند. آنان لذتهای نفسانی را بر خود حرام نموده عمر خود را با ریاضت و رهبانیت سپری می کردند. (توفیقی، حسن، ۶۵)

۲- نیوشایان یا نیوشاگان:

عامه پیروان مانی بودند که در مانستانها سکونت نداشتند و وظیفه آنان پرستاری و خدمت به برگزیدگان و تهیه خوراک و پوشاک آنها بود. (اقا محمدی، علی محمد، ۷۰)

اخرت شناسی :

مرگ:

بنابر روایات مانوی، روان پس از مرگ به دیدار داور دادگر می رود و کردار او را در دنیا می سنجد و در نتیجه به بهشت نو می رود یا دچار تولد مجدد و بازگشت دوباره به زندگی می شود یا به دوزخ می رود. (بهار، مهرداد، ۹۰)

تناسخ یا زادمرد:

مانی معتقد بودند انسان در گردونه ای از تولدها و مرگ های پیاپی قرار دارد. این گردونه را در ادبیات مانوی با نام زادمرد می شناختند که ناشی از جهل انسان به اصل الهی خویش بود. (علیرضا ابراهیم، ۳۲) زادمرد را واژه ای فارسی و مرکب از زاییده شدن و مردن است، برای گونه ای از تناسخ به کار می بردند که در مانویت مطرح بوده است. (موحدیان عطار، ۴۵)

در مانویت برای رهایی روان از تاریکی، لازم است تا هر کسی به تلاشی آگاهانه اقدام کند. اما مانی یکبار زندگی را برای رهایی روح همگان کافی نمی داند. او معتقد است امکان دارد روان بارها و بارها پیش از آنکه از راه کسب فضیلت کامل رهایی یابد، متولد گردد. البته او دو گزارش از سرنوشت روان را بیان می کند: نخست

اینکه روانها پس از مرگ به نزد دادگاه عدالت رفته و درباره آنها یکی از سه حکم صادر می شود: یا باید به حیات که انرا به بهشت جدید تفسیر کرده اند، برگردد؛ یا محکوم می گردد به امیختگی که مراد ازان را بازگشت به این جهان دانسته اند، و یا باید به عقوبت مرگ گرفتار شود، که عبارت از دوزخ. روان نیکوکاران که از بدن رهایی می یابند، با یکی از خدایان رهاننده که به وسیله سه فرشته همراهی می شود، ملاقات می کند. آن سه فرشته نشانه های رهایی او را در خود حمل می کنند، یعنی حلقه گل، نیم تاج، ردا و سرانجام روان با این نشانه ها به بهشت نو در می آید. (دکره، فرانسوا، ۸۲) شاید به سبب این اشتگی ها در تبیین تناسخ باوری مانوی باشد که برخی میان این دو گزارش را جمع کرده و گفته اند، بر پایه عقاید مانوی، روان درستکاران پس از مرگ بی درنگ به بهشت می رود، و تنها بدکارانند که دچار تناسخ می گردند (کلیم کایت، ۵۱). گزیدگان به بهشت چشم امید بسته اند که پس از مرگ بدانجا می رسند. نیوشایان نیز رستگاری پس از زادمرد یا تناسخ را انتظار می کشند که بدان هنگام در حلقه گزیدگان در آیند. این بازگشت به عالم مربوط به نیوشایان نیست بلکه نوری است که در آن مخفی است و باید انقدر به جهان بازگردد که عاقبت در عالم نور فانی شود. (کریستین، سن، ارتوز، ۵۱)

تناسخ نا محدود یا محدود:

جوهره تناسخ پذیر:

بنابر عقیده مانویت جوهر تناسخ پذیر که امری ثابتی بنام روان است که در جسم انسان اسیر است و با مرگ انسان یا جسم، از بین نمی رود. وامقی، ایرج، ۲۳۸)

کالبد مبدا و مقصد:

مبدا تناسخ در مانویت، با افرینش انسان شروع می شود و انسان براساس اعمال و همچنین طبقه انسانی که جز نیوشایان باشد، دچار چرخه تناسخ می شود. زندگی بعدی هم متأثر از اعمال گذشته است. اگر کارهای نیک انجام داده باشد روانش به کالبد انسانی خوب و خوش چهره منتقل می شود. کارهای بد انجام داده باشد و مرتکب گناه شده باشد. در زندگی بعدی، به کالبد انسانی بدزشت یا حیوان و گیاه و جماد منتقل می شود. (فومشی شکری، محمد، ۵۵)

تداوم زمانی:

در باب تداوم زمانی در مانویت چرخه تناسخ تا رهایی کامل روان از ماده با توجه به عنصر معرفت برای نجات و رهایی ادامه دارد. محدوده زمانی مشخصی ندارد، با توجه به کسب معرفت در باب هدایت انسان، هرچه انسان به معرفت بیشتری و پیمودن مراتب کمال دست پیدا کند، می تواند زودتر از چرخه تناسخ رهایی یابد و به بهشت برود (موحدیان عطار، ۴۵)

انتقال مکانی در تناسخ:

بنابر اصل زادمُرد انسانها بارها به این دنیا می آید و از این جهان می رود و در این زندگی ها مسیر کمال را طی می کند تا به کمال مطلق برسد و به روان خالص مبدل گردد. (جلالی، محمدرضا، ۶۵)

جهت سیر در تناسخ:

بنابر عقیده مانویت، انسان بر اساس گناهان خود یا به انسان دیگر تناسخ می یابد یا سیر نزولی یا صعودی پیدا می کند، اگر سیر نزولی پیدا کرد و به حیوان تناسخ یافت، دوباره می تواند سیر صعودی پیدا کند، و به انسان تناسخ یابد (شریفی، یاسر، ۱۲۹)

فاصله میان دو زندگی:

بنابر عقیده مانویان، انسان پس از مرگ به دیدار داور دادگر می رود و در آنجا بر اساس گناهان خود سنجیده می شود، و اگر گناهکار و یا از نیوشایان باشد دچار چرخه تناسخ می شود و به این جهان برمی گردد. زمان دیدار شخص با داور دادگر، فاصله بین دو زندگی گذشته و آینده است که در آنجا به اعمالش رسیدگی می شود. (دکره، فرانسو، ۸۲)

نجات شناسی:

انسان برای نجات خود و رهایی کامل از چرخه تناسخ باید یک سری مناسکی از جمله عید بیم، سماع، اقرار به گناهان، صدقات و خیرات انجام دهد و علاوه بر آن اعتقاد به منجی و بهشت داشته باشد.

از طریق مناسک:

بنابر اعتقاد مانویان، نجات و رهایی از چرخه تناسخ و آزاد کردن نور یا روان از دست ماده یا جسم از طریق انجام مناسک امکان پذیر است و با انجام آداب و رسوم، انسان زودتر می تواند از چرخه زادمُرد رهایی یابد.

عید بیم:

عید بیم با یاد کردن دوران مانی، یاد رهبری را زنده نگه می داشت، که هم اینک نیز امتش را ناپیدا رهبری و داوری و تعلیم می کند بزرگترین عید مانویان است. (ویدگرن، گئو، ۱۳۸)

اقرار به گناهان:

زمان اقرار هفتگی به گناهان روز دوشنبه بوده است. هر دو گروه گزیدگان و نیوشایان موکلف بدان بوده اند. (فومشی شگری، ۱۲۶)

سماع:

در کیش مانی، موسیقی جزو ثوابات یا ثوابها بود و انرا هدیه ای از آسمان می دانستند. آنان غنا را بسیار دوست داشتند. (تقی زاده، سیدحسن، ۸۸)

نجات از طریق منجی:

منجی که همان تجلی قاصد سوم است به انواع گوناگون توصیف شده است. او پسر خدا یا زروان مقصود انسان اولیه است، یا عیسی درخشان یا عیسای نور درخشان. اسامی عیسی البته متعلق به اعتقادات ایرانی و سریانی است. مسلم است در چهارچوب این نظام، او پسر خدا و مظهر عقل رهایی بخش است در حقیقت مانی خود را همان موعودی می دانست که عیسی مسیح از آمدنش خبر داده بود. (رجب نیا، مسعود، ۱۶۵)

مقصد نهایی زادمرد، بهشت روشنی

بهشت روشنایی مقصد نهایی برگزیدگان و نیوشایان است. در بهشت روشنی، مرغزار، دشت، خانه های بی شمار، کاخ ها، تخت ها و مسندها را که جاودانی اند، وجود دارد... (اردستانی، حمیدرضا، ۳۱)

دونادون در اهل حق:

دون در اهل حق به معنی جامه است تناسخ در فرقه اهل حق، به دونادون مشهور است. یعنی روح باید ۱۰۰۱ دون یا جامه را سپری کند تا به کمال برسد.

خاستگاه های جهانبینی اهل حق در ادیان زرتشتی و گنوسی:

در مبحث هستی شناسی اهل حق با تکیه بر تجلی باری تعالی به مقام خاوندکار یا خداوند معتقد هستند. (سلطانی، محمدعلی، ۶۱) از نظر آنان، خداوند قبل از خلقت وجود داشته و هیچ چیز به جز او وجود نداشته است. آسمان و زمین هنوز خلق نشده بودند. همه چیز در کنه ذات بنام خداوند است. خداوند با قدرت خودش تمام عناصر هستی و همچنین جهان را به وجود آورد. (رستمی، منصور، ۱۷۸)

توحید از دیدگاه اهل حق می توان با سه نگاه بررسی کرد:

۱- توحید از دیدگاه اهل حق با نگاه به کتب و دفاتر مقدس اهل حق.

۲- توحید از دیدگاه اهل حق با نگاه و سخنان بزرگان، اندیشمندان و رهبران اهل حق.

۳- توحید از دیدگاه اهل حق با توجه به نگاه عوام اهل حق. (جیحون ابادی، نعمت اله: ۱۳۴۵، ۳۱)

اهل حق به تجسم، جسم و جسمانی بودن ذات الهی معتقد هستند و همانطور که در کتب آنان نیز موجود است فرقه اهل حق به خدا بودن حضرت علی (ع) و سلطان اسحاق صریحا اذعان دارند و معتقدند خدا باید دیده شود و اگر دیده نشود خدایی موهم است.

از نظر اهل حق دلیل اینکه خداوند جسم است و در جامه بشری حلول کرده، این است که بدین وسیله شناخته شود. جالب اینکه بعضی بزرگان فرقه اهل حق مانند نورعلی الهی ادعا می کنند که خداوند را دیده اند. البته باید گفت وقتی از نظر اتباع اهل حق سلطان اسحاق و برخی رهبران فرقه اهل حق خدا باشد رویت آنها هم فرض محالی نیست. (گودرزی بروجردی: ۱۳۹۹، ۸۰)

افرینش از دیدگاه اهل حق به سه مورد می توان اشاره کرد ۱- روح کلی بر تفکر اهل حق وحدت وجودی است. ۲- افرینش متکی بر فرضیات اصول تکوین عالم است ۳- افرینش عالم و مساله تکوین مبتنی بر تناسخ و حلول است. در کل باید متذکر شد که افرینش اهل حق بیشتر جنبه افسانه ای دارد. (عالی نژاد، سیدخلیل، ۷۱)

تشبّهات بین دین زرتشتی و اهل حق

۱- سه اصل زرتشتی یعنی پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک که پایه و اساس دین زرتشتی به شمار می رود در فرقه اهل حق هم این سه فرضیه ای که هر اهل حقی ملزم به رعایت و بکار بستن آن است (صفی زاده، صدیق، ۸۶، ۸۱)

۲- احترام به آتش: آتش نزد اهل حق چون از دیر باز مورد احترام است و در اشعار آنها نیز یاد شده است. انچنانکه در بین زرتشتیان مورد احترام بوده است. (صفی زاده، صدیق، ۳۱)

۳- میان بستن :

کودکان زرتشتی را چون هفت ساله شوند میان بندی که از هفتاد و دو نخ سفید بافته شده است. در این اهل حق نیز یکی از شرایط ورود به حلقه حق، میان بستن می باشد. (حیدری، بهزاد، ۱۴۷)

۴- هفتن و امشاسپندان:

هفتن در نامه سرانجام شباهت زیادی به امشاسپندان یا هفت امشاسپندان در کیش زرتشت و یا شاید هفتن نموداری از هفت امشاسپندان باشد. زیرا فروزه و صفت‌های که در سرانجام بر هفتن یاد شده، همان فروزه‌هایی است که در اوستا برای هفت امشاسپندان آمده است. (صفی زاده، صدیق، ۶۸)

امشاسپندان شش فرشته بزرگ دارند به نام‌های: در راس همه، اهورامزدا قرار داشت.

بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارند، خرداد و امرداد که ۱۹ برابر وندیداد، در سپهر برین یعنی آنجایی که بارگاه اهورامزدا است. روی تخت زرین جای دارند. در هفتن به صورت زیر است.

شنبه: سید ابوالوفاء، یکشنبه: سید امیر احمد، دوشنبه: سید مصطفی، سه شنبه: سید شهاب الدین، چهارشنبه: سید باوئسی، پنجشنبه: سید حبیب شاه، جمعه: سید محمد گروه سوار، (صفی زاده، صدیق، ۲۳)

۴- موسیقی:

پیروان زرتشت توجه و اهمیت خاصی برای موسیقی و زمزمه در هنگام انجام امور مذهبی و اخلاقی قائل بودند. (کریستین سن، ارتوز: ۱۷: ۱۳۷۵) سبک موسیقی گوران اصلترین و کهنترین رسوم موسیقایی اهل حق را بیان می کند. (کاکي، حیدر: ۱۴۰۰، ۱۱۱)

۵- آفرینش:

به باور زرتشتیان، آسمان از سنگ بود و چون صدفی تمام هستی را فرا گرفته بود. در میان اهل حق به طور واضح این باور وجود دارد که ابتدا تمامی هستی در احاطه یک صدف سنگ بوده و از دل این صدف، خداوندگار دست به خلقت های بعدی زده است. (غلامی، طلعت: ۱۳۹۱، ۹۷)

۶- منجی:

یکی از نقاط مشترک در رابطه با منجی در زرتشت و اهل حق سام است که سام در زرتشت از بین برنده اردهای ضحاک است و در میان باورهای اهل حق، باور به منجیگری سام بسیار قابل توجه است. (دوستخواه، جلیل، ۱۰۴۳)

۷- قر:

در زرتشت به معنای پرتو، فروغ و نور است. در فرقه اهل حق، قر بر شانه بیشتر سردمداران نشسته است و یکی از فاکتورهای اساسی این بینش، انسان خدایی می باشد. (طاهری، طبیب، ۴۷)

۸- مراسم عبادی و عدم سوگواری:

از نظر مراسم عبادی و عدم سوگواری در مراسم ترحیم شباهت های زیادی بین زرتشت و اهل حق وجود دارد مراسم عبادی در هر دو این بصورت ساده برگزار می شود. (حسینی، سید محمد، ۶۸۵)

زمینه انسانشناسانه گنوسی:

دین مانویت جزء این گنوسی است. و تشابهاتی بین این اهل حق و این مانویت وجود دارد. در اینجا تشابهات این اهل حق و این مانوی می پردازیم.

۱- تناسخ:

مانویان و اهل حق از جمله این هایی هستند که به تناسخ اعتقاد دارند. (رضایی، مهدی، ۲۳۴)

۲- پرهیز از زن :

مشهور است که پرهیز از زن یکی از ارکان دینی مانوی بوده است. نفوذ این افکار را در این اهل حق نیز بسیاری عنوان کرده اند. (افشاری، مهران، ۳۳)

۳- آشنایی با علوم غریبه:

از ویژگیهای پیروان این مانی، آشنایی با علوم غریبه بوده است. در اهل حق نیز ما نفوذ این افکار و عقاید را می بینیم. (نفیسی، سعید، ۹۳)

۴- موسیقی:

مانویان از موسیقی در انجام عبادات خود چون اهل حق سود جسته اند، سماع در برخی از این عبادات از ارکان مهم تلقی می شده است. (عالی نژاد، خلیل، ۱۵)

هدایت انسان:

اهل حق به اصل نبوت اعتقاد داشته و در اهمیت هدایت و رهبری در طول زندگی و مراحل سخت، انسان را بی نیاز از راهبر نمی دانند. در اهل حق بیان شده، مسیری که مشخص شده، توسط رهبر و راهنما عبور کنیم تا اینکه راههای پُرپیچ و خطرناک را به وسیله هدایت او طی کنیم، و از این همه ظلمت و تاریکی خطری متوجه ما نشود و انسان در صورت عدم پیروی از راهنما و رهبر که همان پیامبران است در پیشگاه الهی شرمنده و سرافکننده خواهد شد. (شاه ابراهیمی، سیدقاسم، ۷۵)

جامعه انسانی: جامعه اهل حق به دو طبقه اصلی تقسیم می شود: پیران و عموم پیروان. پیران، افرادی هستند که به دلیل دانش دینی و معنوی عمیق خود، رهبری جامعه را بر عهده دارند. پیروان عمومی، افرادی هستند که به تعالیم اهل حق ایمان دارند و تحت رهبری پیران به دنبال تزکیه نفس و رسیدن به کمال معنوی هستند. عموم پیروان معمولاً به رعایت مناسک و دستورات دینی که توسط پیران ابلاغ می شود، پایبند هستند و در مراسم های دینی شرکت می کنند.

آخرت شناسی:

مرگ در نزد اهل حق، به منزله شنا کردن مرغابی در آب است که هیچ ترسی از آن ندارند، زیرا انرا نوعی تنبیه برای افرادی می دانند که در دین بعدی، چه خوب و چه بد، انرا خواهند دید. (مشکور، محمدجواد: ۱۳۸۵، ۸۰) طبق نظر پیشوایان اهل حق و بنابر اصل دونا دون، جسم شخص متوفی از بین رفته و روح او بر حسب اعمالش به جسم

دیگر حلول می نماید و لذا مرگ و فناء جسم به منزله تعویض لباس و جامه است. اهل حق مرگ را سراغاز برای یک زندگی مجدد می دانند. (حسینی، سیدحسین، ۶۸۵)

تناسخ یا دونادون

مهمترین رکن مذهب اهل حق، تناسخ است. و در واقع پایه و اساس دین مزبور را تشکیل می دهد، و می توان گفت یکی از مهمترین قسمت از عقاید آنهاست، که اهل حق را از اسلام جدا می نماید. بیشتر پیروان اهل حق در مورد دونادون یا تناسخ با توجه به کلام های دفتری خود اتفاق نظر دارند. (لعل ارا، محمد، ۱۳-۱۲) دون لغتی ترکی است، و به معنای جامه می باشد. اهل حق، معتقدند که روح در هر مرحله به کمال بیشتری می رسد، تا هزار و یک مرحله ادامه دارد و انرا متفاوت از تناسخ هندی می دانند. اگر تناسخ یا دون به دون و به تعبیر نور علی الهی، سیر تکامل را از مسلک اهل حق برداریم، چیزی انچنان از ان باقی نمی ماند. (ولی زاده، علی، ۱۳۸۰، ۶۷-۶۶-۶۵) روح با گردش در قالبهای مختلف، جزای گذشته ی خود را می بیند و هر انسانی اگر رفتار خوب باشد و از راه راست رود، روح او به جامه نیکان و اگر کار بد انجام دهد، روح او به جامه بدان حتی به خزندگان و درندگان می رود و از این راه جزای کردار بد خود را می بیند و پس از عوض کردن هزار و یک جامه به جاودانی ها پیوسته می شود. بنابراین هر فردی می تواند با پیروی از راه راست و انجام دادن کارهای نیک در ادوار مختلف و بازگشت به جهان به پایه های بالاتری از زندگی نائل گردد، و یا در صورت عدم پیروی از راه راست و متابعت از هوای نفس به زندگی پست تری تا درجه حیوانیت تنزل کند. هیچ چیز به طور کلی از بین نمی رود و برای بازگشت لازم است هر کسی سرنوشت خود را به دست گیرد و با تولدهای جدید، بدین منظور نائل آید (صفی زاده، صدیق، ۱۳۷۵، ۱۹۰)

تناسخ نامحدود یا محدود:

در اهل حق تناسخ محدود مورد قبول است چون باید ۱۰۰۱ دون را سپری کند. بنابراین در این زمینه محدودیتی وجود دارد. (گودرزی بروجردی، علی، ۹۱)

تناسخ جوهر پذیر:

روح به عنوان امری واقعی که بعد مرگ عامل تناسخ است و از بدنی به بدن دیگر می رود. جوهره تناسخ پذیر در این اهل حق، روح است (لعل ارا، محمد، ۱۵)

کالبد مبدا و مقصد:

تناسخ را بر اساس تکامل قبول دارند، یعنی آمدن انسان به جهان، برای این است که یک خط سیر تکاملی را طی کند و قبل از اینکه به جامه انسانی بیاید، روح او مراحل جمادی و نباتی و حیوانی را طی کرده، تا به مرحله

انسانی که نسبت به مراحل قبلی اش بالاتر است، برسد. (صحبت، فخرمنش، ۲۳۵) کالبد مقصد هر انسانی، اگر رفتارش خوب باشد و از راه راست رود، روح او به جامه نیکان و اگر کار بد انجام دهد، روح او به جامه بدان حتی به خزندگان و درندگان می رود و از این راه جزای کردار بد خود را می بیند. (مکاری، زهرا، ۴۶)

تداوم زمانی:

در نزد اهل حق، روح انسان بعد از مرگ به کالبد دیگری می رود تا سیر تحولات خود بر اساس اعمال گذشته اش ادامه دهد. این گردش روح و عوض کردن جامه تا جایی ادامه یابد که تعداد دون های مقرر که هزار و یک دون، مطابق با هزار و یک اسم متفاوت را تجربه کند. (سید محمد، اکبری، ۶۵)

انتقال مکانی در تناسخ:

در این اهل حق تناسخ و ثواب و عقاب در همین دنیاست. اعمالی که ما انجام می دهیم جزای دوره های قبلی است. (ولی زاده، علی، ۶۷)

جهت سیر در تناسخ:

در اهل حق بیشتر تناسخ صعودی مطرح است ولی تناسخ نزولی هم دارد. روح هایی که در این جهان در بُعد عملی و علمی به حد کمال نرسیده باشند، پس از مرگ با توجه به مرتبه کمال و نقص خود و صفاتی که دارند، به کالبدی با آن مرتبه می پیوندند تا از پستی ها و تیرگی ها پاک شوند. (صادقی، مجید، ۱۶۵)

فاصله میان دو زندگی:

در فرقه اهل حق فرایند دونا دون همزمان با مرگ اتفاق می افتد و روح بی درنگ از جسم متوفی خارج می شود تا به کالبد بعدی وارد شود. (ابراهیم، علیرضا، ۴۷)

۱-۴. نجات شناسی:

انسان در اهل حق از طریق تناسخ و وحدت وجود و اعمال و رفتار و همچنین از طریق مناسک و اعتقاد به منجی و بهشت می تواند به نجات و رستگاری دست یابد

نجات از طریق منجی:

مهدویت و ظهور منجی به روشنی از منابع اهل حق قابل برداشت است و به صورت قطع از عقایدی است که مورد قبول آنها بوده و به مانند شیعیان او را برقرار کننده عدالت می دانند. (سلطانی، محمد علی، ۴۴)

مقصد نهایی دونادون، بهشت:

مردم اهل حق، بهشت را در همین جهان می دانند زیرا معتقد به تعویض جسم و روح هستند .. (القاص، مجید، ۴۸)

مقایسه زمینه های زرتشتی و گنوسی در مانویت و اهل حق:

تطبیق ایزدان زرتشتی و مانوی، نور و ظلمت، تن و روان. یکی از مباحث بین اهل حق و زرتشت، سه اصل زرتشتی یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک. در اهل حق، هم ملزم به رعایت این سه اصل هستند. از موارد دیگر بین زرتشت و اهل حق عبارت از ۱- احترام به آتش، ۲- میان بستن، ۳- هفتن و امشاسپندان، ۴- موسیقی، ۵- افرینش، ۶- منجی، ۷- فر، ۸- مراسم عبادی و سوگواری

اشتراکات آیین گنوسی و مانویت عبارت از ۱- اعتقاد به دو اصل خیر و شر ۲- اعتقاد به اسیر بودن جان و روان در زندان جسم و تن ۳- تطهیر روان ۴- تناسخ. اشتراکات گنوسی و اهل حق عبارت از ۱- تناسخ، ۲- پرهیز از زن ۳- آشنایی با علو غریبه، ۴- موسیقی.

مقایسه هدایت انسان در مانویت و اهل حق:

آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر معرفت و دانش است. آموزه رستگاری اهل حق نبوت را قبول دارند و اعتقاد دارند که با پیروی از پیامبران می توان به کمال رسید.

مقایسه جامعه انسانی در مانویت و اهل حق:

در مانویت جامعه انسانی به برگزیدگان و نیوشایان تقسیم می شود.. جامعه اهل حق به دو گروه پیران و پیروان عام تقسیم می شود.

مقایسه سرنوشت جسم بعد از مرگ در مانویت و اهل حق:

بنابر روایات مانوی، روان پس از مرگ به دیدار دادگر می رود و کردار او را می سنجد. طبق نظر پیشوایان اهل حق و بنابر اصل دونادون، جسم شخص متوفی از بین رفته و روح او بر حسب اعمالش به جسم دیگر حلول می کند. هر دو دین مانویت و اهل حق به بیهوده بودن و فانی بودن جسم اعتقاد دارند و بعد از مرگ، جسم از بین می رود و چیزی بنام جسم با آن مشخصات وجود ندارد و روان و روح به جسم دیگر انتقال می یابد.

مقایسه تناسخ در مانویت و اهل حق:

در مانویت تولد مجدد و تناسخ زادمرد نام دارد. مانی شخصا زادمرد را از ارکان تعلیمات خویش قرار داده است. مانویان معتقد به تناسخ مقطعی و تداوم آن تا پاک شدن روح انسان بدکار دانسته اند. در دین مانوی نیوشایان رستگاری بعد از زادمرد را انتظار می کشند. یکی از تعلیمات مانوی در امر تناسخ، اجتناب از آزار

رساندن به حیوانات است. تناسخ پایه و اساس این اهل حق را تشکیل میدهد. تناسخ در اهل حق به دونادون معروف است که روح انسان باید ۱۰۰۱ دون یا جامه را عوض کند تا به ذات حق ملحق بشوند.

مقایسه عمومیت یا محدودیت تناسخ در مانویت و اهل حق:

در مانویت و اهل حق معتقد به تناسخ محدود هستند با این تفاوت که در مانویت تا رسیدن به کمال این فرایند تناسخ ادامه دارد و در اهل حق باید ۱۰۰۱ دون را سپری کنند تا به ذات حق برسند.

مقایسه جوهره تناسخ پذیر در مانویت و اهل حق:

جوهره تناسخ پذیر در مانویت روان و اهل حق روح است..

مقایسه کالبد‌های مبدا و مقصد در مانویت و اهل حق:

مبدا تناسخ در مانویت با افرینش انسان شروع می شود و مقصد بعدی تولد مجدد بستگی به اعمال انسان دارد. .. در اهل حق، تناسخ بصورت تکاملی است.

مقایسه تداوم زمانی در مانویت و اهل حق:

درباره تداوم زمانی در مانویت چرخه تناسخ تا رهایی کامل روان از ماده ادامه دارد هرکسی معرفت بیشتری کسب کند، زودتر می تواند از چرخه تناسخ رهایی یابد. تداوم زمانی در اهل حق بصورت ۱۰۰۱ دون است.

مقایسه انتقال مکانی در مانویت و اهل حق:

در مانویت و هم در اهل حق چرخه تناسخ و تولد مجدد در جهان مادی اتفاق می افتد. براساس اصل زادمرد ، انسان بارها در این دنیا متولد می شود و از دنیا می رود تا در این زندگی ها، مسیر کمال خود را طی کند در دونادون هم باید در این جهان ۱۰۰۱ دون را سپری کند تا به ذات حق برسد.

مقایسه جهت سیر در تناسخ در مانویت و اهل حق:

در مانویت و اهل حق سیر بصورت صعودی و نزولی است.. ولی در اهل حق بیشتر جنبه تکاملی دارد.

فاصله بین دو زندگی در مانویت و اهل حق:

در مانویت فاصله بین دو زندگی برای رسیدگی به اعمال انسان وجود دارد. در این فاصله به زندگی گذشته رسیدگی می شود. در برخی متون اهل حق بی درنگ روح متوفی به کالبد دیگری می رود

مقایسه نجات شناسی در مانویت و اهل حق:

انسان در مانویت از طریق مناسک و اعتقاد به منجی و بهشت می تواند زودتر از چرخه تناسخ نجات پیدا کند و به رهایی برسد. در اهل حق علاوه بر مناسک و منجی و بهشت، از طریق تناسخ و اعمال و رفتار و وحدت وجود، انسان می تواند به کمال برسد.

جمع بندی:

مانویت و اهل حق، تاثیرپذیر از دین زرتشتی و گنوسی هستند. تفاوت در موارد تاثیرپذیری است. اینجا ذکر این نکته ضروری است که مانویت جزء دین گنوسیسم است. از نظر هدایت انسان، مانویت معتقد به معرفت و دانش است که بر پایه آن، انسان به رستگاری می رسد. انسان در اهل حق با پیروی از پیامبر و اولیا می تواند به ذات حق ملحق شود. جامعه مانویت به دو گروه برگزیدگان و نیوشایان و در اهل حق به دو گروه پیران و پیروان عام تقسیم می شوند. تناسخ در مانویت با نام زادمرد و در اهل حق دونادون شناخته می شود. در مانویت بعد از مرگ، روح یا بهشت می رود یا دچار تناسخ می شود یا به دوزخ می رود. در تناسخ بستگی به اعمال زندگی گذشته دارد. نجات و رستگاری در مانویت بازگشتن روح به اصل خودش یعنی نور باز گردد. در اهل حق بعد از مرگ روح بصورت تکاملی است یعنی باید ۱۰۰۱ دون را سپری کنند تا در ذات حق فانی شود. در کل در اهل حق هم مانند مانویت، سرنوشت روح بستگی به اعمال و رفتار زندگی گذشته دارد. در زادمرد در مانویت بصورت پالایشی است. در اهل حق، بصورت تکاملی است.

منابع

۱. ابراهیم، علیرضا، ۱۳۹۹، *پیکرهای کرایه ای*، چاپ ۱، نشر کانون اندیشه جوان.
۲. اردستانی، حمیدرضا، ۱۴۰۰، *مانی و مانویت*، چاپ ۱، نشر نگاه.
۳. اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۷۳، *آیین گنوسی و مانوی*، چاپ ۱، ناشر فکر روز.
۴. افشاری، مهران، ۱۳۷۵، *آیین قلندری*، نشر شرکت نشر فراوان.
۵. اقامحمدی، علی محمد، ۱۳۸۴، *مانی، مانیکری، صوفیگری*، چاپ ۱، ناشر: فرهاد.
۶. اکبری، سید محمد، ۱۳۸۰، *گلستان یارسان (دونادون)*، چاپ اول، جلد ۱، بی نا.
۷. باقری، عباس، ۱۳۹۷، *مانی و سنت مانوی*، چاپ سوم، نشر فرزانه مهر.
۸. بهار، مهرداد، ۱۳۹۴، *دبیات مانوی*، چاپ ۱، انتشارات کارنامه.
۹. تقی زاده، سید حسن، ۱۳۷۹، *مانی و دین او*، چاپ ۱، ناشر فردوس.
۱۰. توفیقی، حسن، ۱۴۰۱، *شنایی با ادیان بزرگ*، چاپ ۸، نشر کتاب طه.
۱۱. تیموری، قادر، ۱۳۹۰، *تاریخ ایران کمبریج*، چاپ ۱، ناشر: مهتاب.
۱۲. جیحون آبادی، نعمت اله، ۱۳۶۴، *شاهنامه حقیقت*، چاپ اول، نشر حسینی.
۱۳. حسینی، سید حسین، ۱۳۸۲، *بررسی تحلیلی فرقه اهل حق*، چاپ ۱، نشر ذکری.
۱۴. دوستخواه، جلیل، ۱۳۸۵، *وستا*، چاپ دهم، نشر مشاهیر هنر.

۱۵. رجب نیا، مسعود، ۱۳۹۶، *تاریخ باستانی ایران*، چاپ ۵، ناشر: علمی و فرهنگی.
۱۶. رستمی، منصور، ۱۳۹۲، *بین یارسان*، چاپ اول، ناشر: شاکر.
۱۷. رضایی، مهدی، ۱۳۸۲، *فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه*، چاپ ۱، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. زرن، آر- سی، ۱۳۸۲، *هنر مانوی و زرتشت*، چاپ دوم، نشر انتشارات مولی.
۱۹. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۸۰، *تاریخ خاندانهای حقیقت و مشاهیر متاخر اهل حق*، چاپ ۱، ناشر: سها.
۲۰. شاه ابراهیمی، سید قاسم، ۱۳۷۱، *اهل حق*، چاپ اول، ناشر: راستی.
۲۱. صادقی، مجید، ۱۳۷۷، *نفس و تناسخ*، نشر مشکوه.
۲۲. صحبت منش، فرخ، ۱۳۸۲، *دین و روان با تاکید بر اهل حق*، چاپ اول.
۲۳. صفی زاده، صدیق، ۱۳۶۱، *نوشته های پراکنده درباره یارسان*، چاپ اول، نشر عطایی.
۲۴. صفی زاده، صدیق، ۱۳۹۷، *نامه سرانجام*، چاپ ۱، سفیر ادرهال.
۲۵. طاهری، طیب، ۱۳۹۸، *بین یارسان*، چاپ اول، چاپخانه اراس.
۲۶. طباطبایی فر، سیدعباس، ۱۳۸۵، *سخنی با اهل حق*، چاپ ۱، نشر عصر جوان.
۲۷. عالی نژاد، خلیل، ۱۳۷۶، *دیوان حضرت خان الماس لرستانی*، چاپ اول، بی نا.
۲۸. عقیقی، رحیم، ۱۳۸۳، *پژوهشی در اساطیر ایرانی*، چاپ ۲، نشر توس.
۲۹. فومشی شکری، محمد، ۱۳۸۲، *((مبانی عقاید گنوسی در مانویت))*، مجله فسا اهل حق، شماره ۸۴.
۳۰. القاضی، مجید، ۱۳۵۸، *بین یاری*، چاپ اول، انتشارات بیگوند.
۳۱. قلی زاده، خسرو، ۱۳۸۷، *اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*، چاپ اول، نشر پارسه.
۳۲. کاکی، حیدر، ۱۴۰۰، *زمینه شناخت تنبور*، چاپ ۱، نشر مشاهیر هنر.
۳۳. کایت، کلیم، ۱۳۷۳، *هنر مانوی*، چاپ اول، فکر روز.
۳۴. کرستین سن، آرتور، ۱۳۹۰، *ایران در زمان ساسانیان*، چاپ ۷، نشر نگاه.
۳۵. گودرزی بروجردی، علی، ۱۳۹۹، *فرقه اهل حق*، چاپ ۱، ناشر: انتشارات علامه بحرانی.
۳۶. محمدی ملایری، ۱۳۷۹، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران لتفال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، چاپ اول، ناشر: توس.
۳۷. منتظری، سعیدرضا، ۱۴۰۱، *دین مانویان*، چاپ دوم، نشر ثالث.
۳۸. موحیدیان عطار، علی، ۱۴۰۰، *تناسخ گذشته و امروز*، چاپ ۲، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۹. نفیسی، سعید، ۱۳۸۹، *سرچشمه تصوف در ایران*، چاپ ۱، نشر شرکت مطالعات نشر کتاب.
۴۰. وامقی، ایرج، ۱۳۷۷، *نوشته های مانوی و مانویان*، چاپ ۱، نشر سوره مهر.
۴۱. ویدن گرن، گئو، ۱۳۹۵، *مانی و تعلیمات او*، چاپ ۵، نشر: مرکز.
۴۲. هالروید، استوارت، ۱۳۸۸، *ادیات گنوسی*، چاپ ۱، ناشر: اسطوره.